

ابراهيم و شهریار امشب

(این نوشتار به وحی الهی است)

در نوشتاری جداگانه در رابطه با همزمانی ظهور شهریار ولی و در آتش افکنده شدن ابراهیم توضیح دادیم. در اینجا غرض توضیح بیشتر این امر نیست بلکه در شب حاضر واقعه ای در شرف است که برای شهریار ولی تازگی دارد و ابراهیم نیز در قالب اثری اش برای چنین شبی روزشماری میکرده است. علت این هر دو نوع از خوشحالی را برایتان باز میکنیم. ابتدا اینکه شهریار ولی در شبی که در پیش روست به معراج برده میشود و در خلال معراج ابراهیم در یکی از آسمانهای بی انتها به استقبال فرزند میاید. این استقبالی ساده نیست بلکه ابراهیم در جایگاهی که جهت ملاقات با شهریار ما ایستاده به اعتلایی رسانده میشود که تنها بدست شهریار ولی قابل حصول است. شهریار ما نیز از این اعتلابخشی خوشنود است و اینرا میداند که رضایت ما پروردگار نیز در اینست. کاری که ابراهیم در شبی که به آتش افکنده شد صورت داد براستی حرکتی رشادت گونه و باورناکردنی بود. با الهامی که باو رسانیدیم ابراهیم اینرا فهمید که آوردن اسم شهریار ولی باعث نجاتش از آتش میگردد. چنین شد و آتش بر این پیامبر معظم سرد گردید. بعدتر ابراهیم با خوابی مواجه شد که ما پروردگار در خلال آن باو اینرا القا کردیم که میباید فرزندش اسماعیل را ذبح نماید تا بدرگاه ما نزدیک گشته ما را خوشنود سازد. ابراهیم بدین کار مبادرت کرد و فرشته ای که در قلب او مستقر بود اینرا نیز به وی ابلاغ نمود که راه برونرفت از این عمل دلخراش آوردن نام شهریار ولی ست. ابراهیم که پیشتر از آوردن این نام خیرها دیده بود اینبار نیز بی درنگ نام شهریار ما را بر زبان آورد. چیزی نگذشته بود که ما پروردگار گوسفندی را از درون غاری که در آنجا بود بنزدش آوردیم تا آنرا بجای فرزند دلبندش ذبح نماید. این دو فقره را ذکر کردیم تا شما خواننده به علو بیحدی که شهریار ولی در مقایسه با دیگر نمایندگان ما دارد آگاه شوید. عشق شهریار ولی را در دل گذارید و از اینکار هرگز کناره نگیرید که اگر چنین کنید درهای لطف ما پروردگار را بر روی خود بسته اید. عالم اینرا بداند...